

محمود چهل تیکه که بود+تصاویر

۱۲ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۹

چهل تیکه" لقبی بود که همزمان او به علت دفعات بالای مجروحیت و تکه‌های ترکشی که در بدن وی بود به او نسبت می‌دادند.

۱۱ شهریور ماه مصادف است با سالروز شهادت فرمانده لشکر ویژه شهدا، شهید محمود کاوه؛ شهیدی که از اولین روزهای شروع جنگ تا لحظه شهادت به مدت شش سال در مناطق عملیاتی مختلف غرب و جنوب کشور حضوری مستمر و فعال داشت.

*از حوزه علمیه تا سپاه پاسداران محمود کاوه در خرداد ماه سال ۱۳۴۰ در شهر مشهد مقدس و در خانواده‌ای مومن و مذهبی به دنیا آمد. از نوجوانی به خواست پدر و با علاقه خود برای کسب فضائل معنوی به حوزه علمیه وارد شد و به طور همزمان تحصیلات خود را در دبیرستان نیز ادامه داد، محمود که در بحبوحه اتفاقات قبل از انقلاب نوجوانی بیش نبود، در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات مردمی، فعالیت چشمگیری داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی جزو نخستین افرادی بود که به سپاه پاسداران شهر

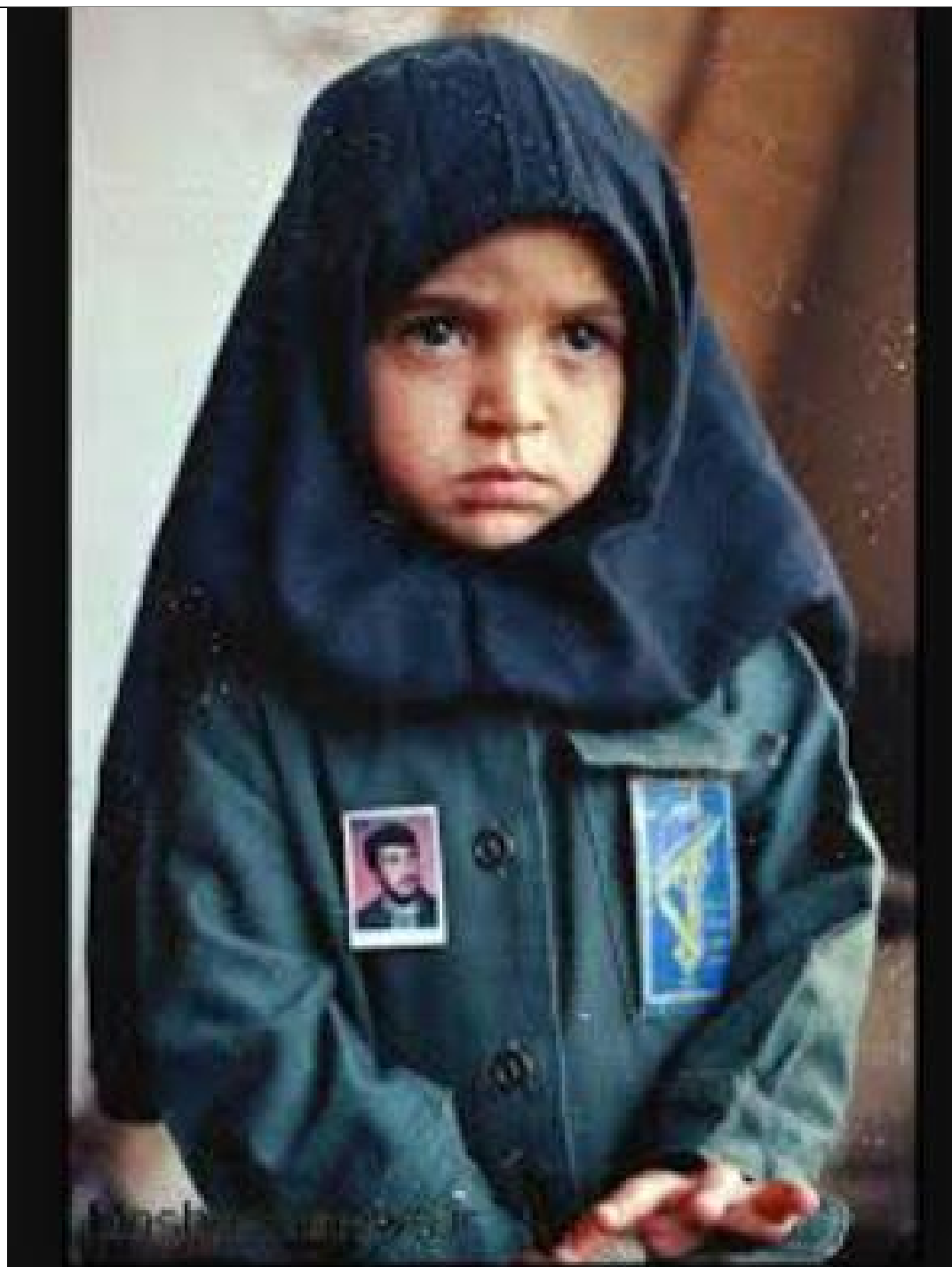


مشهد پیوست.

*دوران

طلایی پاسداری از بیت امام خمینی (ره) از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی در شهریورماه سال ۱۳۵۹، محمود کاوه در

سپاه پاسداران و در سمت‌های مختلف مشغول به خدمت بوده است. "مجید ایافت" یکی از رزمندگان دفاع مقدس و از هم‌زمان شهید کاوه می‌گوید: با وجود جوانی کم سن و سال بودن محمود به محض ورود او به سپاه پاسداران مشهد پس از مدت کوتاهی به عنوان مسئول پاسداران خراسانی از بیت حضرت امام (ره) در تهران انتخاب شد. کاوه دوران شش ماهه حفاظت از بیت امام خمینی (ره) در تهران را یکی از بهترین ایام زندگی خود می‌دانست با شروع جنگ اما به فرمان رهبر خود لبیک گفت و همچون سایرین راهی جبهه شد. *مجروحیت‌های پی در پی هم نتوانست محمود را از جبهه دور نگه دارد محمود کاوه در مدت ۶ سالی که در جبهه حضور داشت، بارها از نواحی مختلف دچار آسیب‌دیدگی و مجروحیت شد. از جمله این موارد می‌توان به اصابت گلوله به ناحیه شکم در اسفند ماه سال ۶۱، اصابت گلوله به شانه چپ در مرداد ماه سال ۶۳ و اصابت ترکش به صورت او در اسفند ماه سال ۶۴ اشاره کرد. با وجود اینکه هر بار به شدت مجروح می‌شد اما پس از به دست آوردن بهبود نسبی دوباره به جبهه باز می‌گشت. استقامت و روحیه با نشاط معنوی از ویژگی‌های بازر شهید کاوه بود. هم‌زمان شهید کاوه به علت زیاد بودن جای جراحات و ترکش‌های موجود در بدن، به او لقب "چهل تیکه" داده بودند و او را با نام محمود چهل تیکه صدا می‌زدند. *لبخند چند ثانیه‌ای قبل از شهادت در شهریور ماه سال ۶۵، عملیات کربلای ۲ در ارتفاعات ۲۵۱۹ منطقه حاج عمران و با رمز "یا اباعبدالله الحسین (ع) ادرکنی" انجام می‌شود. هم‌رزم شهید کاوه می‌گوید: محمود در آن زمان فرماندهی لشکر ویژه شهدا را به عهده داشت در کنار دیگر رزمندگان و دوشادوش آنان در این عملیات حضور داشت. علی‌رغم مخالفت سایر نیروها با حضور کاوه در ارتفاعات درگیری و خط مقدم او خود را جزو سایر رزمنده‌ها برشمرد و گفت: اگر وضعیت عملیات همچون شب گذشته باشد چه بهتر شهید بشویم. عملیات از روز دهم شهریور شروع شده بود محمود با حضور در کنار مجروحین شب قبل به آن‌ها دلداری می‌داد و با بگو بخند درد آن‌ها را تسکین می‌بخشید. در این میان یکی از مجروحین که پیرمردی ساده بود، محمود را با نام محمود کافه خطاب کرد و لحظاتی همه رزمنده‌ها را به خنده واداشت. بعد از خداحافظی پیرمرد با محمود خود را به بقیه رزمنده‌ها رساند. ساعت حدود یک بامداد بود که پس از نزدیک شدن به محل نیروهای بعثی و رسیدن به هدف مورد نظر خود یک گلوله خمپاره در کنار شهید کاوه به زمین اصابت کرد و محمود را به آرزوی قلبی خود یعنی شهادت رساند. *لباس رزم پدر بر قامت کوچک دختر ۳ ساله اش زهرا تنها یادگار شهید کاوه در زمان شهادت پدرش کودکی بیش نبود. او می‌گوید آن زمان که پدرم آسمانی شد من تنها یک دختر بچه بودم و کمتر از ۲ سال سن داشتم، آن طور که مادرم و بقیه برایم تعریف می‌کردند در کمتر از یک هفته پس از شهادت پدرم پیکر او را برای تشییع به مشهد منتقل کردند و همچون سایر شهدا با برگزاری مراسم با شکوهی و با استقبال بی‌نظیر مردم به خاک سپرده شد. در اولین سالگرد شهادت ایشان و مادرم که خود نیز از نیروهای فعال پشت جبهه بود لباس رزم پدرم را تا حدودی اندازه کرد و بر تن من پوشاند.



هدف مادرم از انجام این کار

این بوده است که نشان دهد فرزندان شهدا در هر سن و سال و با هر جنسیتی که باشند راه پرافتخار پدران خود که همان شهادت است را ادامه می‌دهند، مادر می‌گفت: لباس سبز پاسداری، تنها لباس رزم و نماد کار پدرت نبود بلکه لباس خدمت به مردم و نیروهای تحت آموزش او به حساب می‌آمد. هر چه بزرگتر شدم و روزهای کودکی بدون پدر را پشت سر گذاشتم به ارزشمند بودن اهداف پدرم، بیشتر پی بردم، گرچه در روزهایی که به آغوش گرم پدر محتاج بودم و خبر شهادت ایشان دنیای کودکی‌ام را غافلگیر کرد، اما لبخند رضایت ایشان از شهادت چراغ راه من است و پیروی ایشان از ولی فقیه خود راه مستقیم را به من نشان می‌دهد. *فرمانده جوان، الگوی قابل ستایش شجاعت و مدیریت صحیح افرادی چون شهید محمود کاوه همچنان پس از گذشت سه دهه از تاریخ شهادتشان، در میان هم‌زمان او زبازد است و الگویی قابل ستایش برای نسل جوان استرزمند ای که در سن ۲۵ سالگی فرمانده‌ای زبده و با تدبیر بود...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31446/تصاویر-تیکه-چہا-محمود>